

دوره‌ی آموزشی: معماری زمینه‌گرا در بافت‌ها

جهت ارتقاء پایه دو به یک

ارائه دهنده: دکتر عباس غفاری
عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

E-mail: ghaffari@tabriziau.ac.ir

Contextual architecture

Means:

How the building “fits” its place.

معماری زمینه‌گرا یعنی:

چگونه یک بنا با مکان خود سازگار می‌شود.

معماری زمینه‌گرا

• زمینه دارای دو مقیاس است:

اول مقیاس زمینه‌ی شهری

دوم مقیاس زمینه‌ی معماری

هر یک دارای ویژگی مشخصه می‌باشد که دارای وجوه مشترک در دو بعد زمان و مکان نیز هستند.

معماری زمینه‌گرا

● مشخصات زمینه در دو بعد شهر و معماری :

1. مشخصه مکانی
2. مشخصه زمانی
3. مشخصه فرهنگی اجتماعی
4. مشخصه اقتصادی و معیشتی
5. مشخصه همجواری و هم‌نشینی
6. مشخصه بیان هویت
7. مشخصه توسعه و هم‌پایداری

اهداف

- در بحث حاضر می‌خواهیم از چشم‌پوشی کردن و صرف نظر کردن حرکت معماری امروز با زمینه‌ی مکانی و زمانی آن پیشگیری نماییم.
- ما نمی‌خواهیم یک حرکت معماری نوگرا و یا نومدرنیته‌ای باشیم که در نهایت جذابیت خود، نفی و ردکننده‌ی مفهوم زمینه باشد. بلکه نوعی تداعی زمینه‌گرا داشته و زمینه را با سازگاری در محیط پیرامون خود بیان دارد.

آغاز جنبش‌های زمینه‌گرا

- به طور کلی زمان دقیق آغاز این جنبش‌ها قابل تعیین نیست، زیرا با آغاز دوران تجدد و در پی بریدن از سنت‌ها و بی توجهی به ویژگی‌های محلی و بومی و بی تفاوتی نسبت به سلايق و علايق مردم، این نهضت‌ها به مرور سر بر آورده و مورد توجه قرار گرفته‌اند. می‌توان برخی از انجمن‌ها، گروه‌ها، جنبش‌ها و فعالیت‌های معماران و طراحان را به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این جنبش‌ها محسوب محسوب کرد.
- معماری دیروز، بدون پلان و بدون معمار، به عنوان نتیجه‌ی میراث پیشینان بر پایه

آغاز جنبش‌های زمینه‌گرا

- به طور کلی زمان دقیق آغاز این جنبش‌ها قابل تعیین نیست، زیرا با آغاز دوران تجدد و در پی بریدن از سنت‌ها و بی توجهی به ویژگی‌های محلی و بومی و بی تفاوتی نسبت به سلايق و علايق مردم، این نهضت‌ها به مرور سر بر آورده و مورد توجه قرار گرفته‌اند. می‌توان برخی از انجمن‌ها، گروه‌ها، جنبش‌ها و فعالیت‌های معماران و طراحان را به عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این جنبش‌ها محسوب محسوب کرد.
- معماری دیروز، بدون پلان و بدون معمار، به عنوان نتیجه‌ی میراث پیشینان بر پایه‌ی نظم و بدون دستورالعمل‌های قطعی و پیچیده ساخته می‌شد. تا پیش از فروپاشی مرزهای فرهنگی که در قرن ۱۹م. اتفاق افتاد، فرم‌ها و عناصر ویژه‌ی معماری‌های بومی در تمام جهان دیده می‌شد و ساختمان‌های هر ناحیه، محصول شگفت‌انگیز ادغام تصور مردم با خواست‌های محیط بود.

جدول زمانی تحولات سنت‌گرایی، بوم‌گرایی

رویداد	زمان
پیدایش بوم‌گرایی در معماری بلژیک، آلمان و انگلستان	۱۹۰۰م.
ساخت باغشهرهای آلمانی مانند باغشهر هله‌وار	۱۹۰۲م.
تشکیل مجتمع سنت‌گرا	۱۹۲۸م.
مطرح شدن ایده کلاژ	۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰م.
«مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» نوشته جین جیکوبز	۱۹۶۱م.
طرح تفکر زمینه‌گرا	۱۹۷۰م.
طرح ایده‌ی کلاژ شهر	۱۹۷۸م.

تعریف واژگان

- زمینه (Context):

Context در مقوله‌ی معماری زمینه‌گرا در یک معنی افقی قرار نگرفته، بلکه از جهات مختلف قابل تعریف و تشخیص است.

زمینه را در بعد می‌توان اساس و پایه، مثل استراکچر، شرایط اقلیمی، توپوگرافی و یا پوشش گیاهی و یا ساختار معماری شهری و یا حتی نوع تکنولوژی مصالح، ساختار بافت شهر نامگذاری کرد.

- طراحی معماری که متن یا همان text یک جامعه را بر می‌گیرد را نمی‌توان به شکل ایستا فرض کرد؛ چرا که زمینه‌ی ایجاد بناهای بعدی، براساس بناهای ماقبل خود است.

- هر فضای معماری باید دارای زمینه‌ای از زمان و تاریخ خود باشد، بنا به کلیات شرح داده شده فوق که زمینه در معماری همان اساس و پایه‌ی بیان معماری است، که باید در نهایت آرامش و آسودگی درک و تشخیص داده شده، به بیان موارد مختلف زیر پردازد تا بتواند خود و شخصیت خود را معرفی نماید:

مشخصه‌های بیانگر زمینه در معماری زمینه‌گرا

- زمینه‌ی مکانی
- زمینه‌ی زمانی
- زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی
- زمینه‌ی اقتصادی
- زمینه‌ی ساختار شهری یا روستایی
- زمینه‌ی سنت‌گرایی و آینده‌نگری
- زمینه‌ی انسان‌شناسی و جامعه‌نگری
- زمینه‌ی شخصیت‌پردازی و ابراز وجود همیشگی

شکل‌گیری معماری وابسته به زمینه

- در بستر زمینه معماری براساس شرایط مختلف زیست‌محیطی بشر از آغاز تا کنون در یک مکان در طول زمان است که اساس و پایه‌ی ساختار زیست‌محیطی بشر به فرم و شکلی پایدار و قابل‌تغییر در بعد تکامل را به خود اختصاص داده و با رعایت تمامی شرایط آب و هوایی و جغرافیایی به آینده‌نگری بهینه‌تری در پاسخگویی به انواع نیازهای بشر نیز می‌پردازد که نهایتاً برای ابراز وجودی پایدار به تعریف شخصیت معماری جامعه تحت عنوان زمینه‌گرایی می‌رسد، که می‌تواند بومی‌گرا باشد و یا نوگرا.

زمینه‌گرایی Contextual-ism

- کانتکست (context) از واژه ی لاتین contextus ریشه گرفته که اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آنها دارد. فعل آن contexere است که به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است.
- بنابراین، context در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمات و جملات به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو، context مشار به ارتباط، اتصال، هم نشینی و هم بافی میان اجزاست.
- در بستر شهر، به گونه ای قیاسی، می توان context را اتصال و هم نشینی میان بناها خواند. به همین دلیل است که آن را از نگاهی دیگر به عنوان بافت می شناسیم نه زمینه. چرا که زمینه حالت همبافت گرایی را نشان می دهد.

زمینه‌گرایی Contextual-ism

- در دانشنامه‌ی معماری قرن بیستم ذیل واژه‌ی زمینه‌گرایی چنین شرح داده می‌شود:
- که آرمان‌های برنامه‌ریزی شهری مدرن تنها پس از جنگ دوم جهانی بود که توانست در مقیاس شهر به اجرا درآید، و از این رو بود که ایجاد بناهای پیش‌ساخته‌ی قوطی‌مانند در فضاهای خطی، باز و یک‌بعدی نیازمند تخریب شهر و بافت موجود بود. از این رو یادمان‌های تاریخی و مراکز شهر سنتی عملکرد خود را در مقام نقاط فرهنگی از دست دادند.
- از جمله منابعی که به زمینه‌گرایی معماری توجه ویژه داشته می‌توان به "شهر کولاژ" اثر کوین رو و فرد کوتر اشاره کرد. این رویکرد‌های نظری معتقد به چندبعدی‌بودگی شهر بوده و مفاهیم تعصب‌آلود و نفی‌ای مدرنیستی را رد می‌کردند.
- در این بین، زمینه‌گرایی به عنوان روشی در برنامه‌ریزی معماری بر آن بود تا به میراث معمارانه احترام بگذارد و آن را درون چهارچوب شهری تفسیر کند. در "شهر کولاژ" حتی یادمان‌های معماری مدرن و بناهای تجاری یومی بخشی از شبکه‌ی فعال و زنده‌ای هستند که می‌بایست منبع الهام فرایند هویت‌بخشی قرار گیرند.
- زمینه‌گرایی از دهه‌ی ۱۹۶۰ تبدیل به پارادایمی مهم در تفکر شهری و معماری گردید.

زمینه‌گرایی Contextual-ism

- زمینه‌گرایی نهفته در یک ساختمان و بنا نیست بلکه یک محدوده و یا محله شهری است که با شهر می‌پیوندد و از معماری محض فاصله گرفته و به معماری شهری تبدیل می‌شود.
- به نوع دیگری زمینه‌گرایی دارای بسته و مفهوم شهری است. پس در درون فضای معماری قرار نگرفته و در بیرون خود نیز دارای تکاپو و حرکت و همجواری با دیگر فضاهای معماری محله‌ای در یک شهر است. که آن را ساختار محیطی شهر می‌نامیم.
- زمینه‌گرایی جدای بطن و پایه وجودی خود محدود به چند ساختمان همجوار محیطی خود نیست بلکه وسعتی در بعد یک محله

زمینه‌گرایی Contextual-ism

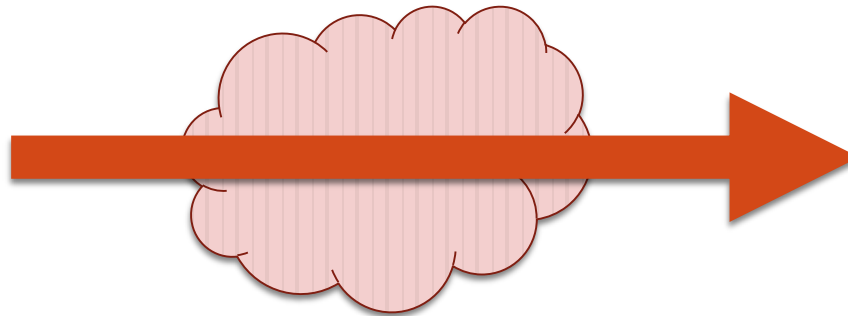
- زمینه‌گرایی نهفته در یک ساختمان و بنا نیست بلکه یک محدوده و یا محله شهری است که با شهر می‌پیوندد و از معماری محض فاصله گرفته و به معماری شهری تبدیل می‌شود.
- به نوع دیگری زمینه‌گرایی دارای بسته و مفهوم شهری است. پس در درون فضای معماری قرار نگرفته و در بیرون خود نیز دارای تکاپو و حرکت و همجواری با دیگر فضاهای معماری محله‌ای در یک شهر است. که آن را ساختار محیطی شهر می‌نامیم.
- زمینه‌گرایی جدای بطن و پایه وجودی خود محدود به چند ساختمان همجوار محیطی خود نیست بلکه وسعتی در بعد یک محله‌ی شهری را به خود اختصاص می‌دهد.

شکل‌گیری معماری زمینه‌گرا

زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی پلی است میان احساسات و عواطف آدمی از یک سو و احتیاجات آدمی از سوی دیگر، زمینه‌گرایی در واقع اولین گام در توسعه پایدار زیست محیطی از نگاه معماری از یک سو و شهرسازی از سوی دیگر است.

عوامل بافتی و زمینه‌ای

نیازهای کاربر



پاسخ‌های معماری

نیازهای کاربر به سمت پاسخ‌های معماری ارتقا می‌یابد و با عوامل زمینه‌ای شکل می‌گیرد...

شکل‌گیری معماری زمینه‌گرا

- زمینه تنها یک رویه‌ی از تاریخ نیست که عناصر شهری در آن پرداخته و ساخته شوند و تنها ابعاد کالبدی ندارد، بلکه ابعاد انسانی در حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی و نوگرایی را نیز در بر می‌گیرد.

نکاتی از معماری زمینه گرا

- مساله اصلی قبل از طراحی, زمینه است.
- پس از طراحی این طرح به خودی خود تبدیل به یک زمینه برای تفکر آینده می شود
- هر نهاد موجود در جهان – زنده یا غیر زنده- بخشی از یک واقعیت زمینه ای است.

- در این ارائه تلاش بر آن است تا پاسخ های طراحی به زمینه های مختلف برجسته سازی شود

- معماری تبدیل به مجسمه سازی محیطی شده است

- روح تداعی کننده احساسات مشابه تجربی از افراد گوناگون است

- خلق مکان های خاص که می تواند و باید درسی برای ا باشد تا یاد بگیریم و بیاموزیم

- طراحی زمینه گرا بدین معنی است که اشکال و نمادهای به جامانده از گذشته قرض گرفته شده، دوباره مرتبسازی شده و در قالب جدید ارائه شوند.
- هدف اصلی، معماری خارق العاده است اما پایان اغلب معماری ی است که خارج از عرصه تعریف و رقابت با جامعه است
- گاهی اوقات مناسب است تا برخی ساختمانها تبدیل به مرکز جهان خود شوند اما نه در هر پروژه ای.

- معماران پدرومادر نگرهبانی هستند که باید درک کنند هر کودک نباید با هدف تبدیل شدن به یک رییس جمهور بزرگ شود
- طراحی زمینه گرا نباید فرم های خود را از کتب تاریخی اتخاذ کند بلکه به فرم های معماری جدید و نوگرا نیازمند است
- با آغاز هزاره ی سوم و ورود به عصر دنیای چندجهانی شدن، شرایطی رخ داد که در آن، شیوه های مختلف مواجهه با موضوع جهانی شدت در قالب نگرش منطقه ای و رویکردهای جهانی-بومی به رسمیت شناخته شدند.

۱- زمینه‌گرایی^{۲۶}

زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌های خاص یک مکان و به کارگیری آنها در طراحی معاصر، توجه دارد. از این رو، در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکانی نظر دارد، به صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است. با این حال، ایجاد ارزش‌های جدید (تحول) را نفی نمی‌کند. از سوی دیگر، از آنجا که به ارتباط میان شکل-زمینه یا توده-فضا نظر داشته و کل حاصل از این ارتباط را ارزشمند می‌داند، به طور ضمنی به اصل وحدت/کثرت نیز اشاره دارد. رویکرد اصلی زمینه‌گرایی، درک ارزش‌های زمینه و تداوم آنها در آینده است. طبق تعریف:

«زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی است که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد» (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۳-۴۴).

زمینه

هریک از سه زمینه فوق، ویژگی‌های خاصی دارند که باید به نوعی در طراحی مدنظر قرار گرفته و تاثیرگذار باشند.

زمینه کالبدی: در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین، زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. به عبارت دیگر، زمینه‌جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی درهم یافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۲-۴۴).

زمینه تاریخی: توجه به زمینه کالبدی، مستلزم دارا بودن دیدگاهی تاریخ‌گرایانه به شکل شهر و توجه به اهمیت گذشته در شکل دادن به حال و آینده است. تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان، قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۲-۴۴).

بسیاری از معماران معاصر، علاقمند به حفظ ارزش‌های موجود در بخش‌های تاریخی شهر و کاربرد آنها در طرح‌های جدید خود بوده‌اند. اعتقاد به تداوم در این گفته راب کریر بارز است: «تاریخ اجازه انقطاع نمی‌دهد، بنابراین، هر آنچه در شهر انجام می‌شود باید به لحاظ شکلی، پاسخی به شرایط فضایی از قبل موجود باشد» (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۲-۳۴).

زمینه اجتماعی-فرهنگی: زمینه اجتماعی-فرهنگی را می‌توان مولد ارزش‌های شکل دهنده سکونتگاه انسانی دانست. زمینه‌گرایان اجتماعی-فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (تولایی، ۱۳۸۰، ۴۲-۳۴).

بحث فوق نشان می‌دهد که در این رویکرد آنچه با زمینه موجود ناهماهنگ و نامتجانس است، قابل پذیرش نیست. به عبارت دیگر، افزودن یا ترکیب «غیر» در زمینه «خودی» مستلزم ایجاد تطابق و هماهنگی میان آن دو است. اجزاء جدید فقط هنگامی قادر به نفوذ به زمینه موجود خواهند بود که امکان برقراری ارتباط و پیوند با آن را داشته باشند و در صورتی که به عنوان وصله‌های ناهماهنگ ظاهر شوند، توسط زمینه رد خواهند شد. به عبارت دیگر در صورتی که یک عنصر بیگانه - در شکل اولیه و یا با ایجاد تغییر- توانایی تطبیق با زمینه خودی را دارا باشد، امکان همنشینی و ترکیب با آن را خواهد داشت. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که «خودی» همان زمینه کالبدی، تاریخی و فرهنگی از قبل موجود است و «غیر» شامل اجزایی است که زمینه موجود آنها را نپذیرفته و رد می‌کند.

نظام نشانه‌ای در ساختار شهر از منظر زمینه‌گرایی

رویکرد زمینه‌گرا در شهرسازی در بُعد اندیشه، نقطه عزیمتی برای دستیابی به شهر منسجم محسوب می‌شود و در این رویکرد می‌توان شهر را به‌مثابه نظام نشانه‌ای در ابعاد کالبدی، تاریخی، انسان‌گرایانه و اجتماعی - فرهنگی مورد واکاوی قرارداد (جدول ۱).

الف - زمینه کالبدی

در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به‌تنهایی مورد ارزیابی و مطالعه قرار نمی‌گیرند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیط مصنوع قرار می‌گیرند. یک اثر معماری در رابطه با نظام بزرگ‌تر شهری و در سلسله‌مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی است که در زمینه معین صورت می‌گیرد. در واقع زمینه بین معماری و شهرسازی ارتباط برقرار می‌کند. گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در «مجموعه موجود» به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است، که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (واترهاوس^۱، ۱۹۷۸: ۷).

1. Waterhouse

ب - زمینه تاریخی

تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، درس‌هایی عینی برای شهرسازی کنونی ایجاد می‌کند. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده فرض کرده است. به گفته پوپر، «ما تحقیقی را انتخاب می‌کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پشت آن نهفته است و سعی در ادامه آن داریم. باید از آنچه گذشتگان انجام داده‌اند بهره‌گیریم. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم». جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظم‌ی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی برای عمل قرار می‌دهد (رو و کواتر، ۱۹۷۸: ۱۱۲-۱۸).

ج- زمینه اجتماعی- فرهنگی

زمینه‌گرایان اجتماعی- فرهنگی معتقدند فرهنگ مجموعه‌ی قواعدی را می‌آفریند که شهر بازتابی از آن است. مردم، توسط فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان، تبدیل می‌کنند (راپاپرت^۲، ۱۹۷۷: ۶). از جمله کسانی که

مطالعات خود را بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر، متمرکز ساخته‌اند، امس راپاپورت^۱ است. به تعبیر راپاپورت، سازمان‌دهی محیط مصنوع، شامل سازمان‌دهی معنی نیز می‌شود که در آن ویژگی‌های کالبدی نظیر: مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، خاصیت ارتباطی و نمادین دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی متفاوتی دارند و این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت، هنجارهای رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده انجام می‌دهند (راپاپرت، ۱۹۷۷: ۲۶-۲۴).

جدول ۱. دیدگاه شهرسازان زمینه‌گرا از منظر نشانه‌شناسی

رویکرد زمینه‌گرایی در شهرسازی (نگرش به زمینه به‌مثابه رویدادی تکاملی)		
شاخص‌های تعیین‌کننده در تحلیل ساختار شهر:	روش‌شناسایی ساختار عینی و ذهنی در شهر:	دامنه کاربرد: شهر به‌مثابه نظام نشانه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد رابطه با زمینه (صرفاً توجه به زمینه کالبدی) • ارزیابی اجزای ساختار شهر در زمینه‌ای وسیع‌تر (توجه به نظام سلسله‌مراتبی مجموعه‌ها) • ایده کولاژ شسهر (اقتباس از نظریه شکل -زمینه) • کولاژ، یعنی اتصال و روابط تمامی عناصر در دسترس و امتزاج آنها در یک زمینه به‌صورت یک کل منسجم است 	<ul style="list-style-type: none"> • روش کولاژ، شهر از لحاظ ادراکی ب نظریه گشتتالت استوار است و از نظر مفهومی بر کویسم که ویژگی‌ها و امکان روابط متقابل میان اشیا را به‌جای ویژگی‌های خود شیء بررسی می‌کند. 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه همگن که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود (کارکرد تأکید بر تماس نشانه). • زمینه منشأ الهام در طراحی است (کارکرد ارجاعی). • دستیابی به ساختار از طریق تجرید و تحلیل شکل -زمینه و اخذ الگوها و خصوصیات کالبدی هر حوزه در ساختار (کارکرد حکمی).
<ul style="list-style-type: none"> • تکمیل نظریه کالین رو • ایجاد رابطه با زمینه (توجه به ابعاد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی) • اقتباس شکل از زمینه در انواع زمینه‌ها اعم از زمینه طبیعی، تاریخی، روانی - فرهنگی و کالبدی 	<ul style="list-style-type: none"> • تداوم روش‌شناسی کالین رو 	<ul style="list-style-type: none"> • حفظ و تداوم نظم شکلی گذشته که مبنای تولید شکل قرار می‌گیرد (کارکرد هنری - زیبایی‌شناختی)

رویکرد زمینه‌گرایی در شهرسازی (نگرش به زمینه به‌مثابه رویدادی تکاملی)

دامنه کاربرد: شهر به‌مثابه نظام نشانه‌ای	روش شناسایی ساختار عینی و ذهنی در شهر:	شاخص‌های تعیین‌کننده در تحلیل ساختار شهر:	
<ul style="list-style-type: none"> طراحی ساختار شهر براساس تحقق رویکرد شهر منسجم (در بردارنده کارکردهای شش‌گانه نشانه) انسجام کیفیت طراحی با فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی. انسجام ویژگی منطقه‌ای با طراحی در فضای شهری انسجام شبکه پیاده و سواره اختلاط کاربری‌ها توجه به رشد بطئی 	<ul style="list-style-type: none"> به‌کارگیری روش‌های ترکیبی منبعث از رویکرد منسجم در طراحی ساختار شهر. تلفیقی از: <ul style="list-style-type: none"> نظریه شکل - زمینه (کالین رو) نظریه اتصال (ادموند بیکن) نظریه مکان (برگرفته از این مبانی که فضا زمانیکه محتوی فرهنگی یابد، مکان نامیده می‌شود). 	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر زمینه انسان‌گرایانه (به علت نادیده گرفتن اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی در شهرسازی معاصر و سلب معانی فرهنگی و اهداف انسانی از فضاهای عمومی) تأکید بر عدم کارایی پدیده گشتالت در شهرسازی معاصر 	<p>راجر ترانسیک</p>
<ul style="list-style-type: none"> طراحی ساختار شهر مبتنی بر آفرینش محیطی هماهنگ با روح مکان (کارکرد فرامتنی). تأکید بیشتر بر خلق معنی در ساختار تا قواعد شکلی (کارکرد ارجاعی). طراحی ساختار شهر با کاربرد سنت زنده (کارکرد عاطفی). 	<ul style="list-style-type: none"> روش‌شناسی در ایجاد ساختار از طریق عینی کردن اهداف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که روح مکان را متبلور سازد 	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر زمینه انسان‌گرایانه متأثر از تفکر هستی‌گرایی و پدیدارشناسی گسترش روابط محیط - انسان که به هستی انسان معنا می‌بخشد. تأکید به بازیابی مکان یا روح مکان. اطلاق مکانها به کل‌های انسانی - محیطی ماندگار در زمان 	<p>نوربرگ شولتز</p>
<ul style="list-style-type: none"> سازماندهی ساختار شهر همزمان با سازماندهی معنی صورت می‌گیرد (کارکرد فرامتنی). معانی متفاوت عناصر کالبدی شهر به طور نظام یافته‌ای با فرهنگ پیوند خورده است (کارکرد عاطفی). 	<ul style="list-style-type: none"> کاربرد همزمان روش‌های زبان‌شناسی و معنی‌شناسی (در زبان‌شناسی، ساختار شهر زبانی است که شهر متن آن است و در معنی‌شناسی، ساختار شهر متنی است که باید تفسیر شود). 	<ul style="list-style-type: none"> زمینه‌گرایی اجتماعی - فرهنگی فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شهر بازتابی از آن است. عناصر متشکله ساختار شهر واجد معنا هستند و تفسیر آنها به‌وجود آوردن یک کل معنی‌دار است. 	<p>امس راپاپورت</p>

۱. زمینه کالبدی

در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین، زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. به عبارت دیگر، زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (Waterhouse, 1978:7). پس باید تعهد خاصی نسبت به مسأله ورود معماری جدید در درون زمینه موجود احساس شود.

برولین (Brolin, 1980) در کتاب «معماری در زمینه» به برخی از پرسش‌های اساسی در این خصوص چنین پاسخ داده است. از این پاسخ‌ها می‌توان تا اندازه‌ای به نقاط قوت و ضعف این رویکرد پی برد:

الف) چه نکاتی ارزش زمینه‌ای معین را مشخص می‌کند؟ در ابتدا اهمیت تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی بصری را در نظر می‌گیریم. اگر از این لحاظ فاقد ارزش بود، به سنت منطقه‌ای نگاه می‌کنیم. اگر آن هم جوابگو نبود، باید به قدری پرتوان کار کرد که نتیجه بصری آن زمینه‌ای برای کار دیگران باشد. اگر در موقعیت گذار هستیم - یعنی نو و کهنه با هم در کشمکش اند - باید توجه داشت مردمی که قرار است در آن وضعیت زندگی کنند کدام یک را زیباتر و معنی‌دارتر می‌انگارند.

زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. از این رو، نمی‌توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها - بدون توجه به بعد زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند - نگریست. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می‌باشد (Stokols, 1987:15-18).

در این مقاله سه زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است:

ب) وقتی زمینه همگن نیست و آمیزه‌ای از عناصر گوناگون است چه باید کرد؟ اگر زمینه به طور مطلق ناهمگن است، باید گفت که دیگر زمینه‌ای وجود ندارد که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود. در این حالت باید به نمونه‌های موفق که مورد توافق عامه و متخصصان است رجوع کرد.

ج) چه وقت می‌توان شکاف تندروانه با زمینه ایجاد کرد؟ در موارد خاص، به خاطر ارزش نمادین و یا زدودن گذشته‌ای ناهمگن می‌توان زمینه را نادیده گرفت.

د) آیا طراحی در درون زمینه لزوماً باعث یکنواختی می‌شود؟ باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می‌کند و تنوعی که در آن توازن دیده می‌شود فرق گذاشت. یکنواختی و اغتشاش دوروی یک، سکه‌اند و هر دوی آن‌ها ناخوشایند هستند.

و) آیا حفظ تداوم بصری در واحدهای همسایگی به معنی پرهیز از هرگونه تغییر است؟ ایجاد حس تداوم بصری به معنی نمادین کردن یک واحد همسایگی نیست. نمونه‌های تاریخی نیز نشان می‌دهند که تنوع، نوآوری و تغییر بدون آسیب رساندن به همگنی بصری امکان‌پذیر است. واضح است که وقتی رابطه با زمینه تهدیدی مستقیم برای خلاقیت به حساب بیاید و یا شهرسازان به‌خواهند به سنت خصمانه بنگرند، نتیجه چه خواهد شد. (Brolin, 1980: 148-153).

بنابراین، زمینه خود می‌تواند منشأ الهام برای طراحی باشد. به این منظور چند پیشنهاد ارائه کرده‌اند:

۱) به طور کامل از نقشمایه‌های موجود تقلید شود؛

۲) اشکال اصلی مشابه هم را در نظرگیرند و آرایش آن‌ها را

تجدید کنند؛ ۳) اشکال جدیدی بسازند که مشابه تأثیر بصری بنای قدیمی باشند (Tugnutt, 1987: 121).

۲. زمینه تاریخی

تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد. آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان، قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست. به گفته پوپر^۲ ما تحقیقی را انتخاب می‌کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پس آن نهفته است و سعی در ادامه آن داریم. باید از آنچه گذشتگان انجام داده‌اند بهره‌گیریم، در غیر این صورت در هنگام مرگ هنوز مانند آدم و حواریان خواهیم کرد. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی است برای عمل (Rowe & Koetter, 1978: 118-119).

۳. زمینه اجتماعی - فرهنگی

زمینه‌گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977: 6).

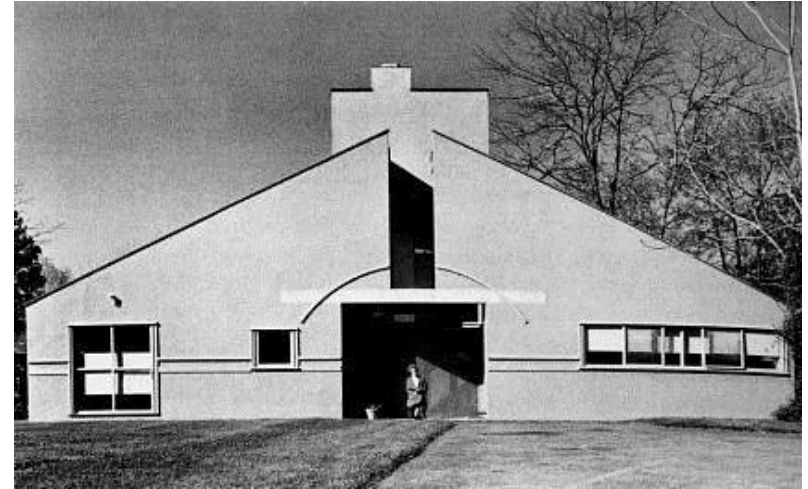
اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیا را به هم پیوند می‌دهد؛ وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد "مکان" نامیده می‌شود. ویژگی مکان، هم‌اشیایی را که دارای شکل، بافت و رنگ است دربر می‌گیرد و هم روابط فرهنگی را که بر اثر مرور زمان ایجاد می‌شود. وظیفه شهرسازان ایجاد مکان‌های پایداری است، که بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده‌کنندگان فراهم آورد. بحث آنها بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ای که ظاهر می‌شود درک می‌شود (Norberg-Schulz, 1980: 18).

به طور خلاصه زمینه گرایي در هنگام الحاق اجزای جدید شکل شهر به موارد زیر متعهد می‌ماند:

- ۱- زمینه گرایي کالبدی، به شکل کل از قبل موجود
- ۲- زمینه تاریخی، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان
- ۳- زمینه گرای اجتماعی- فرهنگی. به معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک.

نگاهی اجمالی به رویکردهای مختلف معماران به زمینه

- زمینه‌گرایی یکی از برجسته‌ترین شعارها و آمال معماری پسامدرن است. اما همزمان، پسامدرنیسم زمینه را به نازل‌ترین وجه آن فرومی‌کاهد.
- زمینه، برای اکثر پسامدرنیست‌ها، من جمله ونتوری، استرن، گریوز و گاه‌مور و استرلینگ به معنای نزول اثر تا حد برداشت‌ها و تقلیدهای هزلی و کپی‌کاری‌های سطحی و صوری همراه با اشارات تاریخی صریح، هماهنگی و تطابق‌های ساده‌انگارانه و به تعبیر دیگر صحنه‌ساختی است.
- زمینه در معماری پسامدرن در سطح می‌ماند و در تطابق بنا از نظر رنگ و شکل و تزئین با همسایگی‌های خود خلاصه می‌شود.



خانه آنا ونتوری، اثر رابرت ونتوری

نگاهی اجمالی به رویکردهای مختلف معماران به زمینه

برای دیکانستراکتیویست ها زمینه البته موضوعی بحث برانگیز است. آنها اغلب رویکردی چالشی و گاه نفی ای به آن دارند و "در نظر آوردن زمینه" برای آنها نه هماهنگی و آوردن کدها و نشانه هایی بصری از آن، که به چالش خواندن زمینه ی موجود، نفی آن، و از شکل انداختن و تغییر شکل دادن آن است. در این میان، زمینه اغلب در سطح همسایگی و محله می ماند و هرگز به منطقه گرایی نمی رسد. به تعبیر دیگر، روح مکان و خصوصیات منطقه ای به عنوان ویژه گی ای که باید به آن گوش فراداد و به تعاملی آرام و گفتگویی سکوت آمیز با آن پرداخت هرگز مورد نظر نیست. از منظری دیگر، "زمینه" گاه به "زمین" فرو می کاهد، یعنی به توپوگرافی و عوارض آن. توجه به زمین، و از شکل انداختن آن، یکی از نتایج توجه به "فولد" است.



یادمان هولوکاست، برلین، پیتر آیزمن

نگاهی اجمالی به رویکردهای مختلف معماران به زمینه

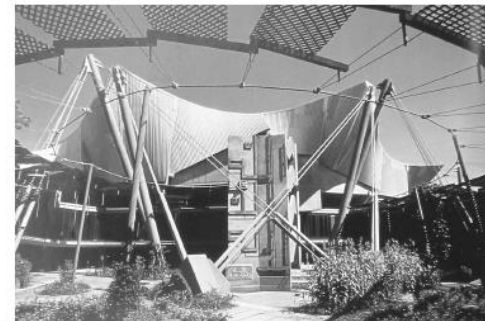


- اما برخی طرح‌ها هستند که برخوردی دیگر با زمینه دارند. این رویکرد نه درصدد تعامل و گوش فرادادن به زمینه است، و نه در صدد به چالش کشیدن و از شکل انداختن آن، بلکه می‌توان گفت درصدد چشم‌پوشی کردن و یا صرفنظر کردن زمینه است. برای نمونه می‌توان به ژرژ پمپیدو اشاره کرد که همچون یک "شیء" و "ابژه" در پستر کار نشسته و ساز و آوازی "مخالف" و "متمایز" سر می‌دهد. این اثر زمینه را رد می‌کند، و مغرور و بی‌توجه، به محله و اطراف وقعی نمی‌نهد، قد برمیافرازد، سر بالا می‌کند، و حتی برای خود "زمینه" می‌سازد. آنچه این بنا را "جذاب" کرده جسارت آن در نفی و رد زمینه است.

۳- کلیدواژه‌های تحلیلی

۳-۱- نمود فناوری مدرن

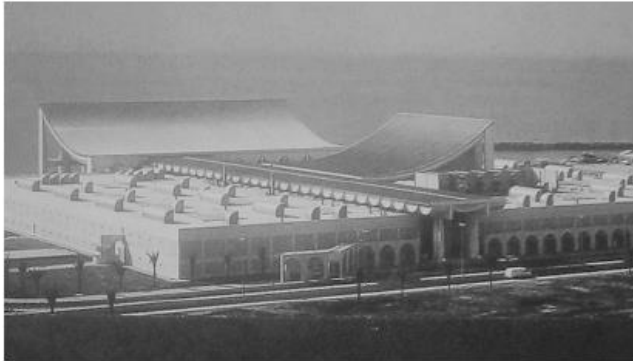
نمود فناوری مدرن، رویکرد خاصی از منطقه‌گرایی را به نمایش می‌گذارد.^{۱۵} این رویکرد به طور عمده به استفاده از معماری باستانی و منابع در دسترس و تکنولوژی بومی توجه دارد. توجه به معماری پایدار و رابطه متقابل میان ساختمان و محیط مصنوع (اعم از طبیعت)، بحث استفاده از انرژی‌های پاک و سایر موضوعات زیست محیطی، محورهای این رویکرد در کشورهای مختلف است.^{۱۶} در این رویکرد، از ویژگی‌های بیانگر تکنولوژی معماری استفاده می‌شود و از دو منظر قابل بررسی است: یکی برداشت از الگوهای ساخت و ساز کهن و توجه به فناوری‌های بومی ساختمان‌سازی^{۱۷} و دیگری اشاعه‌ی تکنولوژی مدرن در قالبی سنتی، که مورد اخیر، بیشتر در جستجوی پیوند میان تکنولوژی مدرن با شکل و فرم بناهای قدیمی است. در برخی از پروژه‌ها استفاده از تکنولوژی به گونه‌ای استعاره‌گرا در نمای ساختمان‌ها قابل مشاهده است.



تصویر ۱ (بالا) - ایده‌ی فرم چادرهای صحرائنشینان، به جای استفاده از تنه درختان و پارچه، به وسیله‌ی کابل، فولاد و پوشش‌های تفلون در فرودگاه جدو احیا شده است، همین ایده در هتل و مرکز همایش مکه (تصویر ۲، پایین) نیز دنبال شده است.

ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 159-126)

۳-۲- بیان استعاره‌ای فرم



تصویر ۳- مجلس ملی کویت، سقف‌های قوسی که استعاره‌ای از چادر و قایق (الضوء) است.

ماخذ: (Uddin Khan, ed, 2000, 139)

توجه به استعاره‌ها^{۱۸} در نمایش فرم، از نگرشی نشانه‌د (سمبلیک) به معماری حکایت می‌کند. بسیاری از تحلیل‌گران معمار خاورمیانه^{۱۹} منطقه‌گرایی اصیل را در توجه عمیق به مفاهیم و بی‌استعاره‌ای آنها تعبیر می‌کنند. در آثار معماران غیربومی کشورهای مورد مطالعه، توجه به استعاره‌ها و بیان سمبلیک فرم‌ها نشان از توجه معمار به ویژگی‌های بستر فرهنگی دارد. استفاده استعاره‌ها، در گرو شناخت مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگی و مکانی وید است^{۲۰} که مستلزم صرف زمان فراوان و درگیر شدن با فرآیندها پیچیده‌ی حیات اجتماعی مخاطبین است. معماران غیر بومی استعاره‌ها را به‌دو شکل به کار می‌برند:

۳-۲-۱ - بیان استعاری شکل‌ها و مفاهیم بومی شامل الف: اشاره به موضوعات عینی که در برگیرنده برخی از مفاهیم یا معانی هستند. مثلاً: یک طاق یا قوس به مفهوم الهام از گذشته یا استفاده از مصالح آجری و یا جزئیات سنتی، به مفهوم پایبندی به گذشته و توجه به هویت مکانی، ب: اشاره به مفاهیمی خاص در معماری که از طریق فرم کالبد، سبک و مصالح بنا قابل فهم است. مانند مفاهیم سرمایه‌داری، فقر، قدرت و یا فناوری که در قالب نمادهایی خاص نمایش داده می‌شوند. ج: اشارات سمبلیک به برخی فرم‌ها و فضاهایی که ریشه در فرهنگ منطقه‌ای و سنت‌های معماری آن دارند نظیر فرم چادر (شکل ۳)، منار و گنبد و فضاهایی نظیر حیات، گودال باغچه، آبادی و

۳-۲-۲ - جانمایی عملکردهای سمبلیک در بناهای تازه که نشان از تلاش معمار در نمایش پیوند میان بنا با مکان و گذشته‌ی فرهنگی زمینه‌ی طراحی دارد.^{۲۱}



تصویر ۴- دانشگاه دوحه، کمال الکفراوی، هماهنگی با شرایط اقلیمی منجر به ایجاد هویت معمارانه شده است.
 ماخذ: (UddinKhan,ed,2000, 204)

۳-۳- هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی

تطبيق بنا با اقليم اطراف و توجه به بهره‌گیری از انرژی‌های محیطی، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در تمامی پروژه‌های بررسی شده به چشم می‌خورد. راجت (۱۹۷۱) اقليم را به عنوان یکی از عوامل اصلی توجه معماران غربی به معماری منطقه می‌داند. به عقیده‌ی وی بناها، باید سکنه را با محدود کردن پنجره‌ها، ایجاد سایه و تهویه‌ی مناسب در برابر خورشید محافظت کنند.

از این منظر، رویکرد معماران غیر بومی به منطقه‌گرایی در چارچوب زیست-منطقه‌گرایی^{۲۲} تعریف می‌شود. تأمین آسایش کاربران با توجه به رابطه‌ی فعال بنا و محیط، وظیفه‌ای است که علی‌رغم دستیابی به فناوری‌های نوین سرمایش و گرمایش، اهمیت دو چندان یافته است.^{۲۳}

هماهنگی با شرایط اقلیمی، با بهره‌گیری از فناوری‌های امروزی، منجر به استفاده از عناصری می‌شود که در مجموع به تعریف هویت منطقه‌ای در بنا کمک می‌کنند. دست‌یابی به سایه با استفاده از عناصری به نام مشربیه^{۲۴} و سقف‌های چادری (موزه ملی بحرین، وزارت امور خارجه عربستان، سفارت فرانسه، دانشگاه علم و هنر دوحه اثر ايسوزاکی^{۲۵}، فرودگاه جده)، بهره‌گیری از رنگ‌های روشن در احجام خارجی (مجلس ملی کویت)، استفاده از فضاهایی نظیر دالان و رواق، حیاط، باغچه و عناصری نظیر حوض آب برای استفاده از سایه و کوران هوا (وزارت امور خارجه عربستان)، استفاده از پوشش‌های گیاهی منطقه‌ای برای احیای مفهوم آبادی (قصر طویق)، استفاده از مصالح بوم‌آورد (قصر طویق، هتل سلطنتی مکه)، بازشوهای محدود (بانک جده)، استفاده از عناصر تهویه‌ی طبیعی نظیر بادگیر (دانشگاه قطر اثر الکفراوی، تصویر ۴)، از روش‌های پاسخ به شرایط محیطی است که منجر به ظهور دستور زبانی تازه برای تعامل میان فناوری و سنت شده‌اند.

۳-۴- توجه به ویژگی های سایت

یکی از نمودهای منطقه گرایی، هماهنگی میان بنا و محیط کالبدی اطراف، به ویژه توجه به چشم اندازها، عوارض و هویت بصری سایت



تصویر ۵- قصر طویق، هماهنگی با خطوط سایت.
ماخذ: (Davidson, ed, 1998, 102)

و باز نمود آن در خلق ایده، فرآیند طراحی و استفاده از مصالح است^{۲۶}. توجه به سایت با سه نگرش؛ معماری در هماهنگی با سایت، معماری در تقابل با سایت و معماری یادمانگرا صورت می گیرد.

از بناهای مهمی که به تطابق با خطوط و چشم اندازهای سایت به عنوان ایده‌ی طراحی توجه کرده می توان به "هتل سلطنتی مکه" (تصویر ۲) اشاره کرد. آنچه در شکل گیری ایده‌ی این بنا تأثیر داشته، موضوع سایت پروژه و مجاورت با شهر مکه، با در نظر گرفتن ویژگی‌های بارز تپه‌های اطراف این شهر است که طراحی بنایی موقر را موجب شده است. در "قصر طویق"^{۲۷} (تصویر ۵) نیز، معمار کوشیده تا در قالب یک نظم ارگانیک فرم‌های منحنی تپه‌های طبیعی را در چرخش فرم بنا و رنگ صحرا را در استفاده از مصالح بوم آورد به نمایش گذارد. استقرار این بنا بر روی زمین، از طریق ایجاد ترکیبی همگون با خطوط طبیعی زمین صورت گرفته است.

۳-۶- به کارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی

نمود منطقه گرایی، از طریق توجه به عناصر خرد مقیاس نظیر مصالح، آرایه بندی^{۳۶} و جزئیات^{۳۷} سابقه ای طولانی دارد. استفاده از مصالح، علاوه بر آنکه در چارچوب ویژگی های فنی و محیطی صورت می گیرد، بر مفاهیم خاص منطقه ای نظیر هویت مکانی و تعلق بنا به زمینه اشاره می کند.

آثار معماران غیر بومی در خاورمیانه، مملو از اشارات منطقه گرایانه است که از طریق مصالح و تزئینات نمود یافته اند. با تقابل مصالح بومی و مدرن، معماران همچنین به بیان برخی مقولات اصلی و معتبر منطقه ای دست یافتند. در خاورمیانه این مسأله همچنان به عنوان یک تکنیک عملیاتی مطرح است چرا که تا کنون، سهم هزینه ی مصالح ویژه، بهره گیری طرح را از جزئیات تزئینی خاص امکان پذیر می سازد، جزئیاتی که به دلیل گران بودن مصالح، امکان اجرای آنها در کشورهای غربی وجود ندارد (Rogget, 1971,20) در این مناطق، استفاده از مصالح بوم آورد، نشان از تلاش معمار برای بازنمایی هویت های منطقه ای دارد. در بسیاری موارد، این مصالح، به شکل سمبلیک، فارغ از تأثیر ساختاری خود، نشانه هایی از هماهنگی با زمینه اند (تصویر ۷).



تصویر ۷- برج آب کویت، استفاده از مصالح، جزئیات و رنگ، مفهوم استعاره ای (قمر درخشان) به بنا بخشیده است.
ماخذ:

(Uddin Khan, ed, 2000, 132)

۳-۷- الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای

رویکردهای نوین منطقه‌گرایی بر توجه معمار به ویژگی‌های خاص منطقه، به ویژه ساختارهای حیات اجتماعی انسان‌ها تأکید می‌کنند. این رویکردها، معمار را در مواجهه با محیط‌های در حال تغییر، نه یک حرفه‌ای، بلکه هنرمند و متفکر جلوه‌گر می‌سازند^{۳۸} (Mumtaz, 1985, 152). معمار، اندیشمندی است که باید توان سیر ذهنی از عالم محسوسات به نامحسوسات را داشته باشد. وی باید غبار طلایی سنت را که در فضا به پا خاسته، تسخیر کرده و آینده را پیش‌بینی نماید^{۳۹} (Ardalan, 2004, 76).

مؤلفه های تعامل فرهنگی	واژگان طراحی در زمینه ی بیگانه	مصداق عینی
فناوری	نمود فناوری مدرن	توجه به فناوری به عنوان نظام حیات اجتماعی جدید
فرهنگ	مفاهیم خاص منطقه ای	درک الگوهای رفتاری- شناخت الگوها و سمبل های فرهنگی
	اصول معماری اسلامی	شناخت ارزش ها، باورها و هنجارها
مکان	هماهنگی با شرایط اقلیمی	درک مکان کالبدی
	توجه به ویژگی های سایت	شناخت هویت مکان و حس مکان
هویت	بیان استعاره ای فرم	توجه به خوانایی بنا- حس تعلق به بنا- بازنمود ویژگی ها
	اصول معماری اسلامی	بازنمایی هویت دینی در پرتو باورها و ارزش ها
	جزئیات- مصالح- تزئینات	توجه به هویت های شخصی و گروهی

نتیجه‌گیری

زمینه‌گرایی با تاریخ و فرهنگ و اجتماع پیوند دارد. از این رو، مفهوم مکان را جایگزین واژه فضا می‌کند. مکان‌ها کل‌های انسان-محیطی هستند که از نظر زمانی ماندگارند و روح جامعه را در ویژگی تاریخی - جغرافیایی سیمای شهر عینیت می‌بخشند. زمینه‌گرایی تاریخی، ویژگی‌های تاریخی را در نظر می‌گیرد و به مکان و جوهره تاریخی آن توجه دارد. از این رو، سنت را محترم می‌شمارد. اما برای آن که گذشته برای حال قابل استفاده باشد، به سنت زنده رجوع می‌کند. زمینه تاریخی به خاطر دنیای از قبل موجود ارزش‌ها و خاطره‌ها اهمیت دارد. "خاطره بصری" قادر است در طول فضا و زمان پیوندهایی ایجاد کند.

زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی است که بر طبق آن ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد.

در زمینه‌گرایی کالبدی طراح نه تنها خود شیء بلکه رابطه، متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه ملحوظ می‌دارد؛ زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد. هواداران این دیدگاه در تکمیل عناصر رویکرد خود، رابطه بناها و فضاها را با هم در نظر می‌گیرند. در نظر آنها طراحی